

یکی از مباحثی که این روزها مطرح می‌شود این است که مگر گروهک داعش سال‌ها پیش از زین نرفته بود، پس چرا شاهد عملیات آنها در ایران هستیم.

بحث را از جایی شروع کنیم که داعش ضعیف شده یا شکست خورده‌است. سال ۲۰۱۹ در عملیات باهوز داعش آخرین سرزمین‌های خود را از دست داد و فاز داعش از آن به بعد تغییر کرد و از فاز حکومتداری و دولت‌داری به سمت پیشاتمکین بازگشت. اینها می‌گویند ما برای تمکین تلاش می‌کنیم، یعنی سرزمینی را بگیریم و ملاحاکم شریعت را در آنجا پیاده کنیم. گروهک داعش در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱ در چنین وضعیتی قرار داشتند و عملیات‌های نظامی را در قالب یک گروه زیرزمینی انجام می‌دادند و افکار و ایده‌های خود را پیاده‌سازی می‌کردند.

پس با این تفاسیر وعده سردار حاج قاسم سلیمانی، مبنی بر نابودی داعش محقق شده بود.

در واقع نابودی حکومت داعش محقق شد و داعش الان حکومتی ندارد و به فاز زیرزمینی برگشته است. این فاز زیرزمینی خود نتایجی دارد. زمانی که این گروهک به سمت دولت‌سازی رفت یک سری الزاماتی داشت که شاید به‌طور مستقیم با کشور ایران اصطکاک زیادی پیدا نمی‌کرد، ولی حالا که تبدیل به گروه زیرزمینی شده‌اند از هر امکان یا زمینه‌سازدهی استفاده می‌کنند تا عملیات انجام دهند.

یعنی باید نظیر آنچه در سرزمین‌های اشغالی رخ داده، در عراق و سوریه تکرار می‌شود و یک رژیم صهیونیستی جدید شکل می‌گرفت؟

شاهد ظهور دولتی می‌شدیم که نمی‌دانیم چه می‌شد شاید شبیه آن را می‌توانستیم در عربستان ببینیم.

مانند رژیم صهیونیستی به دنبال غصب سرزمینی برای تشکیل دولت و حکمرانی...

اگر بخواهیم علمی نگاه کنیم تفاوت زیاد است.

در نهایت خروجی کار تصاحب یک سرزمین بود.

بله. ایده تصاحب سرزمینی وجود دارد. تمکین یعنی این که به یک سرزمین دسترسی پیدا کنند

پس معتقدید اگر ایران دولت داعش را نابود نمی‌کرد، آنها از درون نابودی می‌شدند؟

این یک تحلیل است که من نمی‌توانم بگویم صد درصد درست است اما روند به این سمت پیش می‌رفت که داعش یک گروه کاملاً هوایی است.

با این تفاسیر جمهوری اسلامی ایران چرا وارد جنگ با داعش شد؟

همه جهان احساس نگرانی می‌کرد.

پس این نگرانی ایران و مبارزه با داعش تحت عنوان مدافعان حرم امری بیجا بود؟

اولاً ما نمی‌گوییم ایران نمی‌رفت، ثانیاً فقط ایران نرفت! این مشخص است. داعش هم مثل همین داستانی که شما مطرح کردید را تکرار می‌کرد زیرا دوگانه‌ای با عنوان ایران - داعش درست می‌کنید. نگاه غالی که وجود دارد این است که انگار هر اتفاقی در هر جای دنیایم افتد، یک سر آن باید ایران باشد. داعش که شکل گرفت، همه دنیا تکران شدند و ائتلاف ضد داعش شکل گرفت.

یعنی ضرورت مقابله با داعش در کل دنیا احساس شد و ایران هم یکی از این جهانیان بود.

این‌که بگوییم فقط ایران بود، درست نیست.

من نگویم فقط با ایران؛ ابتدای سخنان تان اشاره داشتید با ایران چالشی نداشت. گفتیم در آن زمان چالشی با ایران نداشت.

برای آینده این احتمال وجود داشت که دچار چالش شوند.

بله، درست است.

و ایران از این امر بی‌بگیری کرد.

بله. هدف غایی آنها این بود و ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود و شک و شبهه‌ای در آن نیست.

به نظران چرا جنایت تروریستی کرمان در این مقطع اتفاق افتاد؟

امروز داعش از هر زمینه‌ای استفاده می‌کند تا بر وجود خود صبح بگذارد. به نظر من فلسفه این اقدامات هم بر مبنای این است که می‌کنیم، پس هستم! داعش در هفته‌نامه‌ای که دارد به‌صورت ایفوغرافی تعداد عملیات‌های آن هفته و میزان تلفاتی که داعش بر دشمنان خود وارد کرده‌است را مستندسازی می‌کند. این آمارها به مثابه بقای داعش است. شعار مهم داعش «من باقی هستم» و بر این اساس می‌گویند من عملیات انجام می‌دهم و آدم می‌کشم! اگر نقشه جهان را ترسیم کنید، بیشترین عملیات‌های انجام شده توسط داعش، در مرزهای دولت - ملت‌ها صورت گرفته‌است. داعشی‌ها موسسه‌ای به نام «سقری» دارند که در آنجا جزوه‌ها و رساله‌های نظامی را تولید و استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نظامی را طراحی می‌کنند. حتی شیوه‌های تولید بمب تا راهبردهای عملیاتی را هم

پژوهشگر حوزه جریان‌های تروریستی در گفت‌وگو با «جام پلاس» مطرح کرد

تفرقه افکنی؛ راهبرد داعش در ایران



چندی پیش بود که دیوید بارنیا، رئیس سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) با تهدید تهران در یک کنفرانس دانشگاهی در هرتزلیا گفت، «زمانش رسیده که ایران به‌گونه‌ای متفاوت، تاوان دهد. آزار اسرائیلی‌ها و یهود، به هر نحوی که باشد، چه از طریق وکلای‌شان، به عملیات در ایران منجر می‌شود... در قلب تهران.» سخنانی که نشان‌دهنده عمق حقد و کینه آنها از معادلات منطقه‌ای ایران است تا این‌که عصر چهارشنبه ۱۳ دی که مصادف با سالروز شهادت سردار سلیمانی بود خیره‌رنگ و بوی خون گرفت آن هم در یادبود مراسم سرداری که نابودی داعش، یکی از میراث‌های ماندگار وی است و افراد زیادی تنها به این دلیل مرید این سرباز اسلام شده و خود را رهرو مکتب سلیمانی می‌دانند زیرا با برجیدن داعش از مرزهای اسلامی برای چندمین بار نشان داد که وحدت امت اسلامی و بازدارندگی محور مقاومت بیش از هر معاهده‌ای می‌تواند امنیت مرزها را به ارمغان بیاورد. این حمله تروریستی به کرمان که منجر به شهادت بیش از ۹۰ نفر از هموطنان مان شد، عیان کرد که دشمنان تعارف را کنار گذاشته و به جای هم‌واردی با نیروهای نظامی، شمشیرشان را علیه صفوف مردمی تیز کرده‌اند، مسأله‌ای که مورد توجه رهبر معظم انقلاب هم قرار گرفته و معظم‌له دست‌های آلوده به این جنایت را مورد خطاب قرار داده و فرمودند: «از هم اکنون آماج قطعی سرکوب و محازات عادلانه خواهند بود. بدانند که این

امین صبحی
ادبیر جام پلاس

داعش ظهور و بروز پیدا کرده‌اند اما این تشکیلات برای ایجاد، احیا و تداوم، به حمایت نیاز دارد. همان‌طور که حامی جریان مقاومت و پشتیبان صهیونیست‌ها در منطقه مشخص است پس گروهک تروریستی داعش هم از عقبه‌ای برخوردار است و سبک مقابله برخی کشورها در این خصوص گویای همه چیز است. قطعا شکل‌گیری اتفاقاتی در این سطح، نیازمند حضور چند سرویس امنیتی است.

بله امکان دارد و در این شک و شبهه‌ای نیست. کار بنده با سند است.

صحبت من هم ناظر به همین موضوع است شکل‌گیری این گروهک تروریستی نیازمند عقبه مالی و سیاست‌گذاری است و چنین چرایی نمی‌تواند فی‌البداهه شکل گیرد، مثل طالبان که چطور در یک

شک میان کردید، باید احصاء شود. بحث بعدی که مطرح شد، این بود که کار چه کسی است؟ کار خودشونه یا کار گروه دیگر است؟ این مسأله را در جاهای مختلف می‌بینید. همه این موارد باید احصاء شود. نمی‌گویم داعش در این مسأله موفق یا ناموفق بود، هر سه عملیاتی که داعش انجام داد، بعد از آن تاری‌های سال گذشته بود.

یعنی به دنبال گسترش بحران‌ها و گسست‌های داخلی بود؟ بله، رواقع یک بحث این است. شما دقت کنید که داعش در بغداد کجا عملیات می‌کند؟ وسط بازار! اما در ایران به نظر من اینها فکر شده به سمت انجام عملیات در مراسمی می‌روند که یا در مکان مذهبی باشد یا رسمی باشد. مجلس شورای اسلامی، مرقداً امام (ره)، حرم شاهچراغ، رژه و در نهایی این مراسم آخر که در کرمان مورد حمله تروریستی واقع شد با کنار قرار دادن همه اینها، متوجه می‌شوید که دنبال ایجاد شکاف بیشتر است. البته این تحلیل است و امکان دارد کسی این را نقد کند. من این مطالب را بر مبنای نوشته‌های داعش و عملکرد آنها می‌گویم. آنها عملیات خود را در آن زمان و مکان انجام دادند تا شکاف بیشتری را در جامعه ایجاد کنند. این مسأله را در عملیات دوم شاهچراغ - که اساساً داعش آن را برعهده نگرفت - بیشتر دیدیم. چون خیلی عملیات موفقیت‌آمیزی نبود، آن را عهده دار نشد ولی به نظر کار داعش بود. اگر همان موقع تویتر را می‌دیدید، موجی از اتهامات را از سوی دو طرف مشاهده می‌کردید.

ممکن است با توجه به در پیش بودن انتخابات‌های آتی در هدف‌گذاری‌های‌شان به دنبال ایجاد شکاف و بی‌ثباتی باشند تا به واسطه این ناامنی‌ها انتخابات را تحت الشعاع قرار دهند.

هدف داعش ایجاد ناامنی، ایجاد شکاف‌های درونی، سست کردن مرزهای دولت - ملت‌هاست.

به اتفاق فکر و جزوات آنها اشاره کردید، با این تفاسیر جریان داعش به یک عقبه فکری نیاز دارد. به نظران با توجه به سبک نگارش بیانیه‌ها و تولید محتوایی که توسط آنها صورت می‌گیرد، برخی گزاره‌ها به نقش آمریکا تاکید دارد. به نظر شما آمریکا نقشی در این اتفاق فکر دارد؟

در این باره سند خاصی نداریم که بگوییم پای کشور خاصی در میان است یا یک عامل بیرونی در هدایت آنها نقش دارد. آن چیزی که ما می‌توانیم ببینیم و روی آن تاکید کنیم، تجربه چهارده ظهور رهبران سلفی جهادی است که به آنها کمک می‌کند. پس از حمله شوروی به افغانستان در دهه ۸۰ افرادی که افغان‌العرب مشرعه می‌شدند به افغانستان گسیل شدند. البته وجود این ایده‌ها به احاط ایدئولوژیک سابقه دارد و تا امروز تکامل یافته است. در این خصوص یک مثال بیان می‌کنم تا معلوم شود این جریان خلق‌الساعه نیست و به عقب‌تر برمی‌گردد. مثلاً از ابتدای بحران سوریه عملیاتی تحت عنوان عملیات انقاصی شکل گرفت که این عملیات ترکیبی است بین عملیات استشهادی، انتحاری و اقتحامی. تحلیلگران در آن دوره می‌گفتند این شیوه جدید عملیاتی است غافل از این‌که «این تیمه» در قرن ۸ جزو‌ای در این خصوص دارد و از این واژه و مفهوم استفاده می‌کند.

من نمی‌گویم خلق‌الساعه است اشاره داشتیم که بالاخره خوارج از صدر اسلام تا امروز بودند و در این مقطع دوباره با اسم و عنوان

فاجعه‌آفرینی پاسخ سختی در پی خواهد داشت باذن...». به اذعان بسیاری از فعالان حوزه بین‌الملل، این حادثه غمبار یک پروژه سفارشی از طرف رژیم صهیونیستی برای ضربه زدن به ایران بود و اجرای آن را به داعش سپرد و برای ناامین کردن ایران از کانون مهمی که در شرق ایران شکل گرفته است، سوءاستفاده کرد تا به اهداف شوم خود عینیت بخشد. اما سؤالی که پس از حادثه تروریستی کرمان و عهده‌دار شدن آن از سوی گروهک تروریستی داعش به اذهان متبادر شد، این بود که مگر داعش نابود نشد؟ ماهیت داعش خراسان که ردیای آنها در جنایت‌های اخیر در شاهچراغ نیز دیده می‌شود، چیست؟ چرا نقش تاجیک‌ها که در اقدامات تروریستی علیه ایران پررنگ شده است؟ از همین‌رو برنامه این هفته جام‌پلاس را به پاسخ به این سؤالات و دیگر ابهامات مرتبط با نقش فعال داعشی اختصاص دادیم و با دعوت از یاسر قزوینی حائری، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و مدرس گروه مطالعات عراق دانشگاه تهران به بررسی در خصوص تغییرات صورت گرفته در داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی پرداختیم. آنچه در ادامه از نظران می‌گذرد، نسخه مطبوعاتی گفت‌وگو با یاسر قزوینی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است. شما می‌توانید متن و فیلم کامل این گفت‌وگو را از طریق سایت و حساب‌های جام‌چم در فضای مجازی مشاهده کنید.

برای آغاز عملیات ایجاد کند. حالاً ممکن است این عامل یک اتومبیل انتحاری باشد که خود را به در دیوار آن مفر بزند و بعد از آن اقتحامی‌ها وارد عملیات شده و محل مورد نظر را تسخیر یا هر اقدام دیگری که در دستور کار بود را انجام می‌دهند. نوع دیگر از این عملیات‌ها استشهادی است و چون این واژه بار معنایی دارد، ما به آن انتحاری می‌گوییم. این عملیات هم بسته به عملیات مورد نظر به سه شیوه کمربند انتحاری، جلیقه انتحاری یا اتومبیل‌های انتحاری صورت می‌گیرد. عملیات بعدی انفجاسی است که وجه تمایز اینهاست که خیلی مهم شد و سروساگرد چون مورد وفاق همه گروه‌هایی که مدعی جهاد هستند، نیست. می‌گفتند یک جزوه تحت عنوان «الانغماس فی العدو» از این تیمه در این خصوص وجود دارد. این عملیات ترکیبی از

داعش در حال حاضر در موضع ضعف قرار دارد، فرآیند جذب را دور می‌زند و به همین دلیل به دنبال ترویج مفهوم و شکل دادن هویتی به نام گرگ تنه‌رفته است



عملیات اقتحامی و استشهادی است، یعنی نیرویی که این عملیات را انجام می‌دهد توانان از کمربند یا جلیقه انتحاری و سلاح گرم استفاده می‌کند و در ابتدای امر با سلاح گرم حمله می‌کند و کشتار را انجام می‌دهد تا این‌که خشاب‌هایش به اتمام برسد و اگر امکان این‌که دستگیر شود، وجود داشت، خود را به سمت نیروهای خصم پرتاب کرده و کلید را می‌زند و خود را منفجر می‌کند.

آقای دکتر به بحث تزکیه و استطابه هم بپردازید و فرمایید که به چه صورت است؟ آیا این همان روند جریان شست‌وشوی ذهنی است؟

هر چرایی به صورت کلاسیک کار جذب را انجام می‌دهد و ثبت نام دارد و قاعدتا وقتی می‌خواهید وارد چرایی شوید باید یک سری آموزش‌های عقیدتی و در صورت ضرورت، آموزش‌های نظامی را فرا بگیرید. در خصوص داعش هم این موارد صدق می‌کند اما در دوره‌ای که این گروهک در اوج قرار داشت، خودش نوعی تبلیغ بود که به فرآیند جذب کمک می‌کرد و افرادی که جذب داعش می‌شدند باید یک تزکیه‌ای داشته باشند و یک نفر از داخل داعش باید وی را معرفی می‌کرد و آن فرد در ادامه دوره‌های عقیدتی را طی می‌کرد که عمدتاً از آن به عنوان استطابه یاد می‌شود و به معنای توبه است.

بنا بر نگرش داعش و وهابیان، همه انسان‌ها کافر هستند لذا برای ورود به این جریان در وهله نخست باید توبه کنند. یکی از مهم‌ترین کارهای این دوره نشان دادن فیلم‌های مختلف است بعد از آن هم وارد دوره‌های نظامی می‌شوند و به این ترتیب یک نیروی داعشی تربیت می‌شود. البته دوره‌ای به نام «اشبال‌الخلافه» داریم که شامل توجه و تمرکز داعش روی نوجوانان و کودکان است که خیلی اهمیت دارد و مدارس را برای تعلیم و تربیت آنها دایر کرده اما داعش در دوره جدید که در موضع ضعف قرار گرفته، نمی‌تواند این کارها را انجام دهد و فرآیند جذب را دور می‌زند. بنابراین سراغ ترویج مفهومی به نام «گرگان تنه‌ها» رفته‌اند.

به نظرم داعش توان خود را روی فعالیت‌های رسانه‌ای گذاشته است شاید این حرف مورد پذیرش برخی نباشد اما من معتقدم فیلمی را با توجه به عناصر و المان‌های اقتضای تولید می‌کند و می‌داند که اگر ۱۰۰ نفر این فیلم را ببینند ۱۰۰ نفر جذب این فکر می‌شود و در مرحله بعدی سراغ این می‌رود که چگونه این هوادار را به نیروی عملیاتی تبدیل کند و در این مقطع سراغ گفت‌وگو و شکل دادن هویتی به نام گرگ تنه‌رفته می‌رود و به این ترتیب آن فرآیند جذب معمول رسمی طی نمی‌شود بلکه فرد متقاضی راساً و با انگیزه‌ای که از قبل پیدا کرده و شست‌وشوی مغزی که از طریق فضای مجازی صورت گرفته است، فیلمی مبنی بر بیت با خلیفه داعش منتشر کرده و راساً اقدام به عملیات می‌کند. داعش در حال حاضر حساب ویژه‌ای برای این کار باز کرده و برای جذب به این شیوه عمل می‌کند.

باتوجه به صحبت‌هایی که داشتیم آیا می‌توان گفت رژیم صهیونیستی برای فراز از باتلاق غزه و اینکه بگوید من هستم، چنین پروژه‌ای را تعریف و پیماکازی آن را به گروهک تروریستی داعش سپرده است؟ صد درصد رژیم صهیونیستی در جنگ اولویت‌ها از این مسأله بهره‌مند شدند. من از بحث کمک مالی و این که راساً حضور دارد، بی‌خبرم ولی این‌که رژیم صهیونیستی از این عملیات استفاده می‌کند، مشخص است که از این استفاده می‌کند. این امکان وجود دارد که یک سرویس اطلاعاتی با توجه به این‌که تزکیه وجود ندارد خطی را ایجاد و نیرویی را در آن خط جذب کند، ولی حرف من این است پرتندی به اسم داعش شکل گرفت که فیک آن هم قابل استفاده شد

پس میتوان گفت رژیم صهیونیستی در لباس داعش است

بله. این یک بازی برد - برد است و داعش و رژیم صهیونیستی هر دو از این مزیت بهره‌مند می‌شوند و داعش کاری کرده است که همچنان می‌تواند از آن استفاده کند.

هر دو می‌خواهند احیا شوند و این روند برای هر دوی آنها حکم تنفس مصنوعی را دارد.

دقیقاً همین طوار است.

برای مشاهده گزارش تصویری کیوآرکدرا اسکن کنید

برای مشاهده فیلم گفت‌وگو کیوآرکدرا اسکن کنید

برای خواندن متن کامل کیوآرکدرا اسکن کنید